



## تاملی در عنصر «قصد» در قوانین کیفری؛

### سوءنیت خاص یا انگیزه؟

امیرحسین بلبلی

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه تهران، تهران، ایران

Amirhosseinbolboli1999@gmail.com

#### چکیده

در قوانین جزایی، گاهی دیده می‌شود که قانون‌گذار برای ارتکاب یک جرم، داشتن قصد خاصی را لازم دانسته اما در متن قانون به ذکر واژه «قصد» یا امثال آن بسنده نموده است. مثلاً در ماده ۵۱۱ ق.م.ا.ت. مقرر شده است: «هر کس به قصد بر هم‌زدن امنیت کشور و تشویق اذهان عمومی تهدید به بمب‌گذاری هواپیما، کشتی و وسایل نقلیه عمومی نماید ... به شش ماه تا دو سال حبس محکوم می‌گردد.» همین مسئله موجب بروز اختلاف بین حقوق‌دانان شده است که منظور از «قصد» به کار رفته در چنین موادی، سوءنیت خاص است یا انگیزه؟ این مسئله می‌تواند در مجرم شناخته شدن یا نشدن یک متهم اثر حیاتی داشته باشد. در این نوشتار با ارائه معیاری نوین و کاربردی چنین نتیجه گرفته شده که «قصد» به کار رفته در این مواد در واقع همان انگیزه است. مقاله حاضر با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و بررسی منابع موجود با روش توصیفی - تحلیلی نگاشته شده است. این مقاله در سه بخش ارائه می‌شود؛ در بخش اول به تعریف مفاهیم سوءنیت خاص و انگیزه و پرداخته و تفاوت این مفاهیم با یکدیگر ذکر می‌شود و در بخش دوم، نظرات مختلف در این باب بررسی شده و معیار نگارنده ارائه خواهد شد. سرانجام در بخش سوم، به بررسی آثار و اهمیت‌های عملی این اختلاف پرداخته خواهد شد.

**واژگان کلیدی:** قصد، سوءنیت خاص، انگیزه، عنصر معنوی، حقوق جزا



## مقدمه

در مستندات قانونی حقوق کیفری، در برخی موارد دیده می‌شود که قانون‌گذار به لفظ «قصد» یا امثال آن اشاره کرده است اما مشخص نیست که منظور از این «قصد»، دقیقاً کدام یک از اجزا عنصر معنوی جرم است. همین مسئله موجب شده است تا در بین حقوقدانان اختلاف شده و عده‌ای این قصد را همان انگیزه تلقی کنند و در مقابل، عده‌ای دیگر، قصد ذکرشده در قانون را ناظر بر سوءنیت خاص بدانند. (یکرنگی: ۱۳۹۷، شیری: ۱۳۹۹، الهام و برهانی: ۱۳۹۵، ص ۱۹۵) اختلاف اصلی از آن جا نشأت می‌گیرد که مطابق اصول حقوق کیفری، سوءنیت خاص، مختص جرایم مقید است و قاعدتاً در جرایم مطلق این نوع از سوءنیت مدخلیتی ندارد چه آن که ناظر بر نتیجه است و در جرایم مطلق نتیجه وجود ندارد؛ اما دسته‌ای از استادان، قصد ذکرشده در قانون را ناظر بر سوءنیت خاص می‌دانند در حالی که جرم موضوع نص قانونی، جرمی مطلق است. مثلاً در ماده ۵۲۶ ق.م.ا.ت. مقرر شده است: «هر کس اسکناس رایج داخلی یا خارجی ... را به قصد اخلال در وضع پولی یا بانکی یا اقتصادی یا بر هم‌زدن نظام و امنیت سیاسی و اجتماعی جعل یا وارد کشور نماید ... چنانچه مفسد و محارب شناخته نشود به حبس از پنج تا بیست سال محکوم می‌شود.» چنان که مشاهده می‌شود، جرم موضوع این ماده مطلق است و صرفاً با جعل یا وارد نمودن موضوع جرم، محقق خواهد شد اما برای تکمیل جرم نیاز است که مرتکب «قصد اخلال در وضع پولی یا بانکی یا اقتصادی یا بر هم‌زدن نظام و امنیت سیاسی و اجتماعی» داشته باشد و عده‌ای این قصد را با وجود مطلق بودن جرم، سوءنیت خاص می‌دانند. سوالی که مطرح می‌شود آن است که کدام نظر صحیح است؟ قصد ذکرشده در قانون، انگیزه است یا سوءنیت خاص؟ پاسخ به این سوال آن جایی اهمیت می‌یابد که بدانیم این اختلاف آثار مهمی در زمینه سوءنیت تبعی (علم جانشین قصد) دارد که ممکن است در مجرمیت یا عدم مجرمیت یک متهم موثر باشد. در این مقاله با ارائه ملاکی جدید و کاربردی اثبات می‌گردد که قصد مذکور در قانون در واقع همان انگیزه است و موارد قانونی‌ای که به قصد اشاره می‌کنند اما تحقق آن در عالم خارج را شرط وقوع جرم نمی‌دانند، استثنائی بر قواعد حقوق کیفری نیستند چه آن که ناظر بر انگیزه می‌باشند و مطابق اصول کلی، سوءنیت خاص، مختص جرایم مقید است. گفتنی است که این پژوهش در حوزه مقررات کیفری ایران، با منابع کتابخانه‌ای، بررسی منابع موجود و جمع نظرات مختلف انجام شده است. مطالب نگارنده در سه بخش ارائه می‌شود؛ در بخش اول کوشش می‌شود تا تعریفی از مفهوم سوءنیت خاص و تفاوت آن با سوءنیت عام و هم‌چنین مفهوم انگیزه و تفاوت‌های آن با سوءنیت خاص ارائه شود تا دقیقاً مشخص شود که هر اصطلاح ناظر بر چه رکنی از عنصر معنوی است و هر یک چه تاثیری بر تکمیل جرم و مسئولیت کیفری فرد دارد. در بخش دوم نظرات مختلف در مورد لفظ «قصد» و استدلال هر دسته از حقوق‌دانان بیان می‌شود و معیار نویسنده ارائه خواهد شد تا از یک سو با داوری در مورد نظرات مختلف، نظری که صحیح‌تر به نظر می‌رسد انتخاب شود و از سوی دیگر، معیاری نوین و کاربردی بیان شود تا در محاکم مورد استفاده قضات قرار گیرد. در بخش آخر نیز آثار این اختلاف بیان خواهد شد تا تاثیر مهم حل این اختلاف در مجرمیت یا عدم مجرمیت یک فرد مشخص شود و بتواند مورد استفاده قضات محاکم کیفری قرار گیرد. گفتنی است که با وجود اهمیت این بحث، نویسندگان حقوق کیفری به طور تخصصی به این موضوع نپرداخته‌اند؛ در کتب حقوق جزای عمومی صرفاً به بررسی سوءنیت خاص و انگیزه به طور مجزا پرداخته شده است و یا تفاوت‌های سوءنیت خاص با انگیزه ذکر شده است (اردبیلی: ۱۳۹۷، ج ۱ ص ۱۷۹، ساکی: ۱۳۹۳، ج ۱ ص ۱۸۷) و در کتب



حقوق جزای اختصاصی نیز آثار هر یک از دو دیدگاه در نظرات نگارندگان در مورد عوامل لازم برای تکمیل جرم متجلی شده است (میرمحمد صادقی: ۱۳۹۸، ص ۱۳۳، میرمحمد صادقی: ۱۳۹۹، ص ۱۳۳، آقایی‌نیا: ۱۳۹۹، ص ۱۴۲)، بدون آن که معیار خاصی برای تشخیص امر ارائه شود. در واقع با وجود بیان تفاوت‌های میان انگیزه و سوءنیت خاص، تخصصاً به این مورد پرداخته نشده است که در موارد مبهم که مقنن لفظ «قصد» یا امثالهم را به کار برده است، دقیقاً بر کدام رکن از عنصر معنوی توجه داشته است؛ بنابراین ضروری است تا معیاری ارائه شود تا بتوان جایگاه این قبیل از «قصد» یا موارد مشابه آن را شناخت و به مقتضای آن افراد مجرم از افراد بری شناخته شوند.

### بخش نخست) تعریف سوءنیت خاص و انگیزه و تفاوت‌های آن‌ها با مفاهیم مشابه

برای تحقق جرایم و بار شدن مسئولیت کیفری، مرتکب علاوه بر انجام رفتار منع شده توسط قانون‌گذار با شرایط مقرر در نص قانونی (عنصر مادی)، باید دارای وضعیت ذهنی خاصی باشد که البته این وضعیت ذهنی با توجه به نوع جرایم مختلف، متفاوت می‌باشد (کاترین الیت، فرانسیس کوئین: ۱۳۹۱، ص ۵۴) این وضعیت به معنای فعل و انفعالات ذهنی فرد است و در واقع به این معنی است که فرد، عمل مجرمانه را با آگاهی و اراده خود انجام می‌دهد (عنصر معنوی) که البته به دلیل اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها، این ذهنیت مجرمانه باید از پیش مشخص شده باشد (خالقی و رجب: ۱۳۹۲، ص ۱۲۲). چنان که گفته‌اند، رکن مادی، جسم بزه است و رکن معنوی نیز به عنوان روح بزه باید موجود باشد تا مرتکب دارای مسئولیت گردد (عالی‌پور: ۱۳۹۵، ص ۱۷۵). وضعیت ذهنی مورد نیاز در جرایم عمدی، عمد یا قصد مجرمانه است. عمد همان تلاش و خواست انسان برای انجام یک عمل است (اردبیلی: ۱۳۹۷، ج ۱ ص ۱۷۲) که همواره با هدفی معین انجام می‌شود، اگرچه تحقق یا عدم تحقق این هدف، همیشه در تکمیل جرم تاثیر ندارد (ساکی: ۱۳۹۳، ج ۱ ص ۱۷۸). مثلاً ماده ۵۱۲ ق.ا.م.ت مقرر می‌دارد: «هر کس مردم را به قصد برهم زدن امنیت کشور به جنگ و کشتار یا یکدیگر اغوا یا تحریک کند صرف نظر از اینکه موجب قتل و غارت بشود یا نشود به یک تا پنج سال حبس محکوم می‌گردد.» در این ماده، اعم از آن که هدف مرتکب از انجام جرم که همان جنگ و کشتار مردم یا یکدیگر است محقق بشود یا نه، ارکان متشکله جرم کامل شده و مرتکب مستحق مجازات مقرر در قانون است. برای تحقق عمد، دو رکن همیشه مورد نیاز است؛ اول آن که مرتکب جرم، قصد انجام آن فعل را داشته باشد و با اراده آزاد خود عمل مجرمانه را انجام دهد (سوءنیت عام) و دوم آن که علم مرتکب به موضوع جرم و شرایط آن محرز باشد (علم به موضوع). رکن سوم در مواردی نیاز است که به تصریح قانون برای تکمیل جرم، وقوع نتیجه خاصی در عالم خارج مورد نیاز باشد و عبارت است از این که مرتکب جرم، باید حصول آن نتیجه در عمل را نیز بخواهد (سوءنیت خاص). علاوه بر این سه رکن که برای تکمیل عنصر معنوی جرایم عمدی مقید ضروری می‌باشند، در مواردی مقنن داشتن انگیزه خاصی را برای ارتکاب جرم ضروری دانسته است. در این بخش سعی می‌شود که دو مفهوم مورد نیاز برای بحث اصلی یعنی سوءنیت خاص و انگیزه تبیین شود.

### بند نخست - مفهوم سوءنیت خاص و تمییز آن از سوءنیت عام

در پاره‌ای از جرایم، برای تکمیل ارکان جرم، تحقق نتیجه‌ای در عمل و عالم خارج مورد نیاز است. بر همین بنیان، جرایم به دو دسته جرایم مطلق و جرایم مقید دسته‌بندی می‌شوند؛ در جرایم مطلق حصول نتیجه خاصی در عمل مورد نیاز نیست و صرف



# پنجمین کنفرانس بین‌المللی و ملی مطالعات مدیریت، حسابداری و حقوق

۴ آذر ۱۴۰۰ - تهران

انجام رفتار مجرمانه با شرایط مقرر در قانون همراه با عمد و علم به موضوع (عنصر معنوی)، کافی برای وقوع جرم است. در مقابل و در جرایم مقید، برای آن که جرم حاصل شود، علاوه بر انجام رفتار مجرمانه با شرایط مقرر در نص قانون، برای تکمیل عنصر معنوی افزون بر عمد و علم به موضوع، خواست مرتکب برای حاصل شدن نتیجه نیز ضروری است (اردبیلی: ۱۳۹۷، ج ۱ ص ۱۸۲). در واقع باید اثبات شود که مرتکب در ارتکاب جرم مقید، علاوه بر داشتن اراده آزاد و علم به موضوعی که جرم بر آن واقع می‌شود، نتیجه مورد نیاز برای تکمیل جرم را خواسته است و عملیات اجرایی جرم را برای دست یافتن به آن نتیجه سامان‌دهی کرده است. مثلاً در مورد جرم موضوع ماده ۵۴۰ ق.م.ا.ت. قانون‌گذار مقرر کرده است: «برای سایر تصدیق‌نامه‌های خلاف واقع که موجب ضرر شخص ثالثی باشد یا آن که خسارتی بر خزانه دولت وارد آورد مرتکب علاوه بر جبران خسارت وارده به شلاق تا (۷۴) ضربه یا به دویست هزار تا دو میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد.» همان‌طور که مشاهده می‌شود، برای مجازات کردن مرتکب جرم، نیاز است که عمل صدور تصدیق‌نامه خلاف واقع اولاً با اراده آزاد انجام شود و عامل خارجی مثل اکراه یا اجبار، اراده فرد را مخدوش ننماید، دوماً مرتکب باید علم به موضوع جرم داشته باشد و بداند که آن چه در حال صادر کردن آن است، تصدیق‌نامه‌ای خلاف واقع است. اما همین دو امر برای تکمیل عنصر معنوی کافی نیست چه آن که برای اتمام عنصر مادی جرم، نیاز است که نتیجه جرم که همان «ایراد ضرر بر شخص ثالث یا خسارتی بر خزانه دولت» است در عالم خارج حاصل شود؛ به همین جهت نیاز است که قصد مرتکب بر حصول این نتیجه در عالم ماده نیز بار شود یا حداقل بداند که رفتار او ممکن است موجب این نتیجه گردد. ماده ۱۴۴ ق.م.ا. به عنوان قاعده‌ای عام، در دو بخش مجزا به بیان این دو نوع از سوءنیت پرداخته است و مقرر می‌دارد: «در تحقق جرائم عمدی علاوه بر علم مرتکب به موضوع جرم، باید قصد او در ارتکاب رفتار مجرمانه احراز گردد. در جرائمی که وقوع آن‌ها بر اساس قانون منوط به تحقق نتیجه است، قصد نتیجه یا علم به وقوع آن نیز باید محرز شود.»

4

بر همین اساس تفاوت میان سوءنیت خاص و سوءنیت عام آشکار می‌شود؛ منظور از سوءنیت عام داشتن اراده در انجام رفتار است و بر رفتار مجرمانه بار می‌شود و در واقع در عنصر معنوی، معادل رفتار مجرمانه در عنصر مادی است در حالی که منظور از سوءنیت خاص، خواست نتیجه در جرایم مقید است و در عنصر معنوی معادل نتیجه در عنصر مادی است (یکرنگی: ۱۳۹۷). تفاوت دیگری که در این زمینه به چشم می‌خورد آن است که در همه جرایم عمدی، مرتکب باید سوءنیت عام داشته باشد. در واقع اگر فرد در انجام رفتار مجرمانه اراده آزاد نداشته باشد، نمی‌توان وی را دارای مسئولیت دانست. به دیگر بیان کلیه اعمال غیرارادی انسان، سوءنیت عام و مسئولیت کیفری فرد را منتفی می‌سازد (ساکی: ۱۳۹۳، ج ۱ ص ۱۷۹). ماده ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی در این زمینه مقرر می‌دارد: «در مواردی که جنایت یا هر نوع خسارت دیگر مستند به رفتار کسی نباشد، مانند اینکه در اثر علل قهری واقع شود، ضمان منتفی است.» در ماده مزبور انتفاء ضمان به علت عدم استناد است که خود ریشه در عدم اراده و قصد دارد (الهام و برهانی: ۱۳۹۵، ج ۱ ص ۲۰۰). این در حالی است که سوءنیت خاص در تمامی جرایم مورد نیاز نیست چه آن که حصول نتیجه‌ای خاص در تکمیل همه جرایم ضروری نمی‌باشد. در جرایم مطلق صرف انجام رفتار مجرمانه، باعث وقوع جرم می‌شود و از اساس نتیجه‌ای نیست که سوءنیت خاص بر آن بار شود (برهانی: ۱۳۹۹).

آن چه تا به این جا در مورد سوءنیت خاص گفته شد، مربوط به سوءنیت خاص مستقیم بود اما یکی از نوآوری‌های قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ توسیع این نوع از سوءنیت است که تحت عنوان «سوءنیت خاص غیر مستقیم یا تبعی»



شناخته می‌شود. در زمان حکومت قانون پیشین، در جرایم مقید، اگر مرتکب قصد حصول نتیجه را نداشت اما اتفاقاً نتیجه حاصل می‌شد، مجازات فرد ممکن نبود چه آن که رکنی از ارکان عنصر معنوی مفقود بود و این امر موجب خدشه‌دار شدن عناصر متشکله جرم می‌شد. به دیگر بیان اگر صرفاً به سوال «آیا مرتکب نتیجه را می‌خواسته است یا خیر؟» پاسخ منفی داده می‌شد، می‌بایست فرد تبرئه می‌گردید. البته در قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۰ نیز به‌طور خاص و در مورد قتل عمدی در بند ب و ج ماده ۲۰۶ سوءنیت خاص تبعی مورد قبول واقع شده بود اما در قانون جدید مقنن با وضع ماده ۱۴۴ ق.م.ا. که مقرر می‌دارد: «... در جرایمی که وقوع آن‌ها براساس قانون منوط به تحقق نتیجه است، قصد نتیجه یا علم به وقوع آن نیز باید محرز شود.» به نظر می‌رسد که تمامی جرایم عمدی مقید را با سوءنیت خاص تبعی یا غیرمستقیم نیز قابل تحقق می‌داند. «قصد نتیجه» یا خواستن آن ناظر بر سوءنیت خاص مستقیم است، در حالی که در «علم به وقوع نتیجه» ناظر بر سوءنیت خاص غیرمستقیم یا تبعی است که برخی از حقوق‌دانان از آن به عنوان «علم جانشین قصد» یاد می‌کنند. توضیح آن که ممکن فرد اصلاً حصول نتیجه را نخواهد و قصد آن را نداشته باشد اما به‌طور نسبتاً قطعی مطمئن باشد که با رفتار وی ممکن است نتیجه مجرمانه حاصل شود. (یکرنگی و عالی‌پور: ۱۳۹۴، ص ۱۶۸) بر همین اساس، حال باید برای تبرئه شدن متهم از وقوع جرمی که نیازمند نتیجه است و اتفاقاً آن نتیجه نیز در عمل واقع شده است باید به دو سوال پاسخ داده شود؛ اول آن که «آیا مرتکب نتیجه را می‌خواسته است یا خیر؟» و اگر پاسخ منفی بود باید به سوال دوم پاسخ داده شود؛ این که «آیا مرتکب می‌دانسته است که با عملش ممکن است نتیجه حاصل شود یا خیر؟». اگر پاسخ به این سوال مثبت باشد، می‌توان گفت که عنصر معنوی جرم کامل است و با جمع سایر شرایط، متهم قابل مجازات است.

5

#### بند دوم - مفهوم انگیزه و تمیز آن از سوءنیت خاص

انگیزه یا داعی که فقها آن را نیت نیز نامیده‌اند (انصاری: بی‌تا، ج ۲ ص ۱۷) عبارت است از عاملی که میل و کشش درونی را در فرد ایجاد می‌کند تا مرتکب جرم شود. (ساکی: ۱۳۹۳، ج ۱ ص ۱۸۷) به عقیده برخی از استادان حقوق، انگیزه همیشه مقدم بر قصد فرد است چه آن که مجرم همواره یک هدف شخصی از انجام دارد و از آن نفعی می‌برد و بر همین بنیان اقدام به ارتکاب آن می‌نماید (الهام و برهانی: ۱۳۹۵، جلد ۱ ص ۲۰۶)

۱. به عقیده برخی از حقوق‌دانان این نوع از سوءنیت نباید به‌طور مطلق در تمامی جرائم مورد پذیرش قرار بگیرد، کما این که در فقه امامیه نیز صرفاً در مورد قتل عمدی مورد پذیرش فقها می‌باشد. مضافاً این که بخش اخیر ماده ۱۴۴ ق.م.ا. به دلیل اشکال شورای نگهبان در مورد قتل اضافه شد و مصوبه ابتدایی مجلس بدون این قسمت بود. بر همین بنیان قائل به این هستند که سوءنیت خاص تبعی صرفاً در مواردی که تصریح قانونی وجود دارد قابل احراز است. (برهانی: ۱۳۹۸، الهام و برهانی: ۱۳۹۵، جلد ۱ ص ۲۰۵) این دیدگاه با اطلاق ماده مغایرت دارد و استدلال‌های مطرح‌شده نیز برای تقید سوءنیت خاص تبعی به موارد تصریح‌شده در قانون کافی نمی‌باشد. به هر حال بررسی این امر نیازمند گفتار دیگری است.



# پنجمین کنفرانس بین‌المللی و ملی مطالعات مدیریت، حسابداری و حقوق

۴ آذر ۱۴۰۰ - تهران

تفاوت انگیزه با سوءنیت خاص آن است که گفته‌اند سوءنیت خاص ناظر بر نتیجه بلاواسطه جرم است در حالی که انگیزه، متوجه نتیجه بلاواسطه جرم می‌باشد و در حقیقت منظور نسبتاً بعید مجرم است (اردبیلی: ۱۳۹۷، ج ۱ ص ۱۷۹) برای مثال ممکن است فردی با وارد کردن داده‌های ویروسی قصد امحای اطلاعات رایانه شخصی فرد دیگری را داشته باشد. آن چه مسلم است آن است که نتیجه بلاواسطه‌ای که فرد از انجام فعل خود می‌خواهد حذف، تخریب، مختل یا غیر قابل پردازش کردن داده‌های دیگری است (جرم موضوع ماده ۷۳۶ ق.ا.ت.م.) و این نتیجه موضوع سوءنیت خاص است در حالی که ممکن است غایت بلاواسطه وی از انجام این کار گرفتن پول از دیگری، صدمه زدن به موقعیت شغلی بزه‌دیده، آزار و اذیت طرف مقابل و ... باشد. همان‌طور که مشاهده می‌شود موارد اخیر بلاواسطه هستند و در واقع نتیجه متعلق سوءنیت خاص (حذف، تخریب، مختل یا غیر قابل پردازش کردن داده‌های دیگری) حد فاصل بین رفتار و هدف یا داعی فرد است. به بیان دیگر فرد با تحقق نتیجه بلاواسطه (موضوع سوءنیت خاص) به نتیجه بلاواسطه خود (موضوع انگیزه) می‌رسد.

۳

عده‌ای دیگر از حقوق‌دانان در تمییز این دو مقوله بیان داشته‌اند که متعلق یک سوءنیت خاص در یک جرم مقید خاص همواره یکسان است در حالی که ممکن است انگیزه فرد از انجام آن جرم مقید موارد مختلفی باشد. (ساک: ۱۳۹۳، ج ۱ ص ۱۸۷، الهام و برهانی: ۱۳۹۵، ج ۱ ص ۲۰۷، اردبیلی: ۱۳۹۷، ج ۱ ص ۱۷۹، علی‌آبادی: ۱۳۵۳، ج ۱ ص ۶۳، گلدوزیان: ۱۳۹۵، ص ۳۳۴) به عنوان مثال برای تحقق جرم موضوع صدر ماده ۶۲۳ ق.ا.ت.م. به عنوانی جرمی مقید، برای تکمیل عنصر مادی بزه، باید حتماً جنین زن حامله سقط شود. بدیهی است که هدف تمامی مرتکبین این جرم از انجام رفتار مجرمانه، سقط کردن جنین زن حامله است که این امر متعلق سوءنیت خاص است اما هدف غایی و نهایی ذهنی ایشان که متعلق انگیزه است ممکن است به تعداد افراد مختلف باشد؛ یکی مرتکب این جرم می‌شود که از شوهر زن پول بگیرد، فرد دیگری به علت خصومت شخصی با زن حامله این جرم را مرتکب می‌شود و دیگری ممکن است برای بردن ارث بیشتر دست به این بزه بزند.

6

یکی از نویسندگان حقوق کیفری نیز بیان داشته است که سوءنیت خاص همواره نامشروع یا منفی است در حالی که انگیزه می‌تواند مثبت یا به نظر مقنن شرافتمندانه باشد. (ساک: ۱۳۹۳، ج ۱ ص ۱۸۷) توضیح آن که نتیجه‌ای که مقنن برای جرم ضروری دانسته است، همیشه نتیجه‌ای منفی است و به تبع آن، قصد ناظر بر آن نیز همواره نامشروع است، در حالی که انگیزه، مانند انگیزه اصلاح امور کشور (ماده ۲ قانون جرم سیاسی) می‌تواند مثبت باشد.

در کنار سه مورد ذکرشده، مهم‌ترین وجه تمایز سوءنیت خاص از انگیزه آن است که اصولاً سوءنیت خاص بخشی از عنصر معنوی جرایم مقید است و برای تکمیل عناصر متشکله جرایم مقید ضروری و لازم است در حالی که انگیزه مطابق اصل، در تکمیل عناصر متشکله جرایم اعم از مطلق یا مقید ضروری نیست؛ در واقع قانون‌گذار فارغ از انگیزه و داعی درونی فرد اقدام به

۲. عده‌ای از نویسندگان به جای سوءنیت خاص از لفظ «قصد غایی» استفاده کرده‌اند (عالی‌پور: ۱۳۹۵، ص ۱۷۶). به نظر می‌رسد که اطلاق این تعبیر بر انگیزه صحیح‌تر باشد یا حداقل می‌تواند بر انگیزه نیز دلالت کند و از این نظر مانع نیست.

۳. برخی از اساتید به این تفاوت اشکال کرده و آن را مبهم دانسته‌اند اما استدلالی را مطرح ننموده‌اند. (الهام و برهانی: ۱۳۹۵، جلد ۱ ص ۲۰۷)



جرم‌انگاری اعمال مجرمانه می‌کند و غایت‌های بعید فرد تأثیری در مسئولیت وی نخواهند داشت. (ساکي: ۱۳۹۳، ج ۱ ص ۱۸۷، کاترین الیت، فرانسیس کوئین: ۱۳۹۱، ص ۷۴، اردبیلی: ۱۳۹۷، ج ۱ صص ۱۷۹ و ۱۸۰، الهام و برهانی: ۱۳۹۵، ص ۲۰۸، گلدوزیان: ۱۳۹۵، ص ۳۳۴) با این وجود از آن جا که ما مِنْ عَامِّ إِلَّا وَقَدْ حُصِّ، این اصل نیز استثنائاتی به شرح زیر دارد:

الف) یکی از مواردی که باید برای تعیین مقدار مجازات‌های تعزیری در نظر گرفته شود، انگیزه مرتکب و وضعیت ذهنی و روانی وی حین ارتکاب جرم است. (بند الف ماده ۱۸ ق.ا.م.ا). البته نباید از نظر دور داشت که مطابق تبصره ماده ۱۸ ق.ا.م.ا. (الحاقی سال ۱۳۹۹) اصل بر این است که مجازات مرتکب باید حداقل مقدار مجازات تعزیری باشد، بنابراین انگیزه شرافتمندانه، نمی‌تواند موجبی برای کاهش مقدار تعزیر گردد، بلکه شاید بتوان گفت انگیزه پست و نامشروع می‌تواند موجبی برای تعیین مجازات بیش از حداقل شود.

ب) در پاره‌ای از جرایم، وجود وضعیت روانی خاصی برای تکمیل عنصر معنوی ضروری و لازم است. مثل ماده ۵۰۳ ق.ا.م.ا.ت. که داشتن انگیزه سرقت را برای جرم ورود به اماکن و مواضع ممنوعه، ضروری دانسته است.

ج) در برخی موارد وجود انگیزه شرافتمندانه، موجب تخفیف مجازات یا برخی امتیازات و معافیت‌ها به نفع مجرم خواهد شد. (ر.ک. بند پ ماده ۳۸، بند الف ماده ۴۰، ماده ۴۶ و ماده ۶۴ ق.ا.م.ا.ت.)

د) در دسته‌ای از جرایم نیز وجود انگیزه‌ای خاص موجب تشدید مجازات است. (ر.ک. ماده ۵۰۴، ۵۰۵ و ۵۴۶ ق.ا.م.ا.ت.)

### بخش دوم) بررسی نظرات مختلف در باب عنصر «قصد» در قوانین کیفری

در مقررات کیفری، موارد بسیاری مشاهده می‌شود که قانون‌گذار با الفاظ مختلف داشتن حالت ذهنی خاصی را برای تحقق جرم لازم دانسته است. این حالت ذهنی گاهی با عنوان «قصد» آورده شده (ر.ک. ماده ۵۰۳ ق.ا.م.ا.ت.)، گاهی به عنوان «خواستن» امری خاص در ذهن بیان شده (ر.ک. ماده ۵۰۵ ق.ا.م.ا.ت.)، گاهی به عنوان علتی برای انجام رفتار مجرمانه آورده شده (ر.ک. مواد ۵۵۴ و ۵۷۸ ق.ا.م.ا.ت. یا ماده ۲۴۹ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت)، گاهی از عبارت «به منظور...» استفاده شده (ر.ک. تبصره ۱ ماده ۶۸۷ ق.ا.م.ا.ت. یا ماده ۲۳ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح یا ماده ۲۷ قانون مبارزه با مواد مخدر) و گاهی نیز عبارات مشابه به این موارد در نص قانون آورده شده است.

آن چه مسلم است آن است که در هیچ یک از این موارد، جرم، مقید نیست چرا که مطابق نص قانون صرف انجام رفتار مجرمانه، با داشتن وضعیت ذهنی خاص مورد نظر قانون‌گذار، جرم محقق خواهد شد و نیاز به نتیجه‌ای مشخص در عالم ماده نیست تا موضوع سوءنیت خاص قرار گیرد یا اگر هم جرم مقید به نتیجه باشد، جدا از این وضعیت روانی خاص مطرح شده است؛ به عبارت دیگر قانون‌گذار یک وضعیت روانی خاص را برای تکمیل جرم مدنظر قرار داده است که نیازی نیست موضوع آن در واقع

۴. البته عده‌ای از اساتید این وضعیت روانی خاص را ناظر بر سوءنیت خاص می‌دانند که در ادامه این اختلاف نظر بررسی خواهد شد.



نیز محقق شود و صرف خواستن آن در ذهن کافی است. در کنار این امر، حاصل شدن نتیجه‌ای خاص را شرط وقوع جرم می‌داند که در این صورت، مرتکب جرم، باید این نتیجه را نیز بخواهد و این امر همان سوءنیت خاص است. مثلاً در ماده ۳۳ قانون جرایم نیروهای مسلح مقرر شده است: «نظامیان زیر که تعداد آنان حداقل سه نفر باشد شورش‌کننده محسوب و به ترتیب ذیل محکوم می‌شوند: ... ج) نظامیان مسلحی که به منظور دستیابی به اهداف شخصی، صنفی و گروهی و یا به منظور بهره‌مندی از مزایا و امتیازات یا علیه تصمیمات قانونی مسؤولان و نظایر آن در یگان‌های نظامی یا در هر محل دیگر اجتماع، تحصن یا اعتصاب نموده و یا به هر نحوی موجب اختلال در نظم شوند به حبس از سه تا پانزده سال...». چنان که مشاهده می‌شود «اختلال در نظم» نتیجه‌ای است که برای تحقق جرم موضوع این بند ضروری است، در واقع باید حتماً نظمی برهم ریخته شود تا جرم کامل شود؛ سوءنیت خاص مرتکب نیز باید بر همین نتیجه بار شود و مرتکب جرم باید این نتیجه را بخواهد. اما این امر برای تکمیل جرم کافی نیست؛ مرتکب باید این کار را «به منظور بهره‌مندی از مزایا و امتیازات یا علیه تصمیمات قانونی مسؤولان و نظایر آن» انجام دهد، در حالی که حصول این نتایج در عمل، برای تحقق جرم ضروری نیست. در مواردی که حصول نتیجه‌ای خاص برای تکمیل جرم، مورد نیاز است، قصد بار شده بر آن سوءنیت خاص است و در این مورد اختلافی نیست. اختلاف اصلی در مواردی حاصل می‌شود که مقنن داشتن وضعیت ذهنی خاص را مدنظر قرار داده است اما حصول نتیجه موضوع آن را شرط تکمیل جرم نمی‌داند. در همین راستا بین حقوق‌دانان اختلاف شده است که این وضعیت روانی، ناظر بر سوءنیت خاص است یا انگیزه؟ در ادامه نظرات ایشان بیان شده و به داوری بین آن‌ها خواهیم پرداخت.

8

#### بند نخست - قائلان به سوءنیت خاص بودن قصد مورد نظر قانون‌گذار

عده‌ای از حقوق‌دانان وضعیت روانی بدون نیاز به نتیجه مورد نظر قانون‌گذار را ناظر بر سوءنیت خاص می‌دانند. عمده استدلال این دسته از حقوق‌دانان این است که همان‌طور که در بخش نخست گفته شد، اصولاً انگیزه در تکمیل عنصر معنوی جرم بی‌تاثیر است؛ بر پایه همین اصل، وضعیت روانی خاص ذکر شده در قانون حتی اگر نیازی به نتیجه نداشته باشد، سوءنیت خاص است نه انگیزه. به نظر ایشان، انگیزه زمانی می‌تواند بخشی از عنصر معنوی جرم باشد که مقنن در متن قانون، عیناً به لفظ «انگیزه» اشاره کرده باشد. البته باید دانست که به نظر این دسته از اساتید نیز، این شکل از سوءنیت‌های خاص، نیازمند نتیجه‌ای در عالم خارج نیستند و در واقع سوءنیت خاصی است که موضوع آن نیازی به وقوع مادی ندارد. (یکرنگی: ۱۳۹۷، شیری: ۱۳۹۹) آن چه به نظر نگارنده می‌رسد این است که از آن جایی که عدم تاثیر انگیزه بر ارکان متشکله جرم، اصل، و خلاف آن نیازمند تصریح است، این دسته از حقوق‌دانان، موارد مشکوک را تفسیر مضیق می‌کنند و صرفاً زمانی به تاثیر انگیزه معتقد هستند که دقیقاً به لفظ «انگیزه» اشاره شود؛ مانند ماده ۱ قانون جرم سیاسی یا ماده ۲۱ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های

۵. البته همان‌طور که گفته شد، این وضعیت روانی خاص، با عناوین دیگری غیر از قصد نیز در متون قانونی دیده می‌شود، اما نظر به آن که غالباً از لفظ «قصد» استفاده شده است، ما نیز با مسامحه آن را «قصد مورد نظر قانون‌گذار» می‌نامیم؛ نام نوشتار حاضر نیز بر همین بنیان انتخاب شده است.





مالی که عیناً به لفظ «انگیزه» اشاره کرده‌اند. به دیگر بیان زمانی که در استثنا بودن یا نبودن امری شک می‌کنند، به قدر متیقن اکتفا کرده و به شکلی تحلیل می‌کنند که استثنایی بر اصل عدم تاثیر انگیزه صورت نگیرد.

از این گذشته به نظر این دسته از اساتید، انگیزه در مواردی دیگر نیز بر تکمیل عناصر متشکله جرم موثر است اما در تحلیل حقوقی به این وضعیت ذهنی فرد، سوءنیت خاص می‌گویند نه انگیزه. به عبارت دیگر به عقیده ایشان قانون‌گذار در مواردی از بین انگیزه‌های مختلف مجرم که علی‌الاصول در تکمیل جرم اثری ندارند، یک داعی ذهنی را انتخاب کرده و وجود آن را شرط تکمیل عنصر معنوی جرم می‌داند اما در توصیف حقوقی این وضعیت ذهنی، به آن سوءنیت خاص می‌گویند نه انگیزه؛ تا با اصل عدم تاثیر انگیزه در عنصر معنوی جرم تعارض نداشته باشد. در واقع این دسته از اساتید نیز در ذهنی بودن این قصد شائبه‌ای ندارند و آن را از جنس انگیزه می‌دانند و اذعان دارند که سوءنیت خاصی است که نیاز به نتیجه مجرمانه ندارد. (یکرنگی: ۱۳۹۷)

در نوشته‌های برخی دیگر از حقوق‌دانان نیز اگرچه صراحتاً به این نظر اشاره‌ای نشده است اما جلوه‌های آن در تحلیل حقوقی ایشان از ارکان متشکله جرایمی که این نوع از وضعیت روانی در آن شرط شده است دیده می‌شود؛ مثلاً در تحلیل جرم تهدید به بمب‌گذاری موضوع ماده ۵۱۱ ق.ا.م.ت. تعزیرات که «قصد برهم زدن امنیت کشور و تشویش اذهان عمومی» را برای تکمیل عنصر معنوی لازم می‌داند، گفته‌اند که این قصد ناظر بر سوءنیت خاص است و مجرم یا باید به صورت مستقیم این امر را بخواهد (سوءنیت خاص مستقیم) و یا علم به برهم خوردن امنیت از طریق رفتار مجرمانه داشته باشد (سوءنیت خاص غیر مستقیم یا تبعی). (میرمحمد صادقی: ۱۳۹۸، ص ۱۳۳) ایشان در تحلیل جرم نشر اکاذیب موضوع ماده ۶۹۸ ق.ا.م.ت. نیز بیان داشته‌اند که اگرچه سوءنیت خاص معمولاً معادل قصد نتیجه است، اما نمی‌توان به علت مطلق بودن یک جرم، قصد نتیجه را در آن تماماً منتفی دانست چرا که «تحقق نتیجه» و «سوءنیت خاص» دو مقوله جدا از یکدیگر هستند که اولی در عنصر مادی جرم و دومی، در عنصر روانی مورد بررسی قرار می‌گیرد. (میرمحمد صادقی: ۱۳۹۹، ص ۱۳۳)

در مورد جرم جعل رایانه‌ای موضوع ماده ۷۳۴ ق.ا.م.ت. (ماده ۶ قانون جرایم رایانه‌ای) برخی از حقوق‌دانان، قید «متقلبانه» را ناظر بر سوءنیت خاص می‌دانند در حالی که جرم موضوع ماده، جرمی مطلق است و نیازی به نتیجه ندارد؛ به عبارت دیگر وضعیت ذهنی که نیازمند حصول امری در عالم خارج نیست را ناظر بر سوءنیت خاص دانسته‌اند نه انگیزه. در مورد جرایم موضوع مواد ۷۳۲ و ۷۳۹ ق.ا.م.ت. (مواد ۴ و ۱۱ قانون جرایم رایانه‌ای) نیز نظری مشابه دارند. (یکرنگی: ۱۳۹۸)

اداره حقوقی قوه قضاییه نیز ظاهراً نظری مشابه با این دسته از اساتید دارد. این اداره در پاسخ به استعلام این که آیا عبارات «به منظور» مذکور در بند الف ماده ۷۴۳ ق.ا.م.ت. (ماده ۱۶ قانون جرایم رایانه‌ای) و «به قصد» مذکور در ماده ۷۴۶ ق.ا.م.ت. (ماده ۱۸ قانون جرایم رایانه‌ای) ناظر بر سوءنیت خاص است یا انگیزه، در نظریه شماره ۷/۹۹/۵۲ (مورخ ۱۳۹۹/۰۲/۱۴) بیان داشته است:

«انگیزه ارتکاب جرم» امری درونی و نیروی محرکه‌ای است که فرد را به سوی ارتکاب جرم سوق می‌دهد و تأثیری در تحقق جرم ندارد؛ در حالی که سوءنیت (اعم از عام و خاص)، عنصر معنوی جرم است که یکی از ارکان تشکیل‌دهنده جرم است. احراز



سوءنیت عام که همان قصد ارتکاب جرم است، جدا از احراز قصد ارتکاب جرم نیست؛ لکن مقنن احراز سوءنیت خاص را جدا از قصد ارتکاب جرم در مواردی مانند جرایم اشاره شده در استعلام لازم دانسته است؛ بنابراین آن چه در بند «الف» ماده ۷۴۳ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ با عبارت «چنان چه به منظور دستیابی افراد به محتویات مستهجن» و در ماده ۷۴۶ همین قانون با عبارت «هر کس به قصد اضرار به غیر یا تشویش اذهان عمومی یا مقامات رسمی» آمده است، «سوءنیت خاص» و از ارکان اصلی تحقق جرایم مذکور است و تحقق بزه‌های یادشده در مواد مذکور، علاوه بر سوء نیت عام، منوط به احراز وجود سوءنیت خاص مرتکب است که تشخیص و احراز این امر هم به عهده قاضی رسیدگی کننده است.»

این اداره در نظریه شماره ۷/۲۶۸۱ (مورخ ۱۳۷۶/۰۵/۰۹) در مورد جرم موضوع ماده ۶۹۸ ق.م.ا.ت. که تحقق جرم آن منوط به داشتن «قصد اضرار به غیر یا تشویش اذهان عمومی یا مقامات رسمی» است، مقرر نموده است:

«صرف نوشتن نامه ای که احتمالاً متضمن خلاف واقع باشد، بدون این که نامه به مقامات ذی صلاح ارسال شود یا موجب تشویش اذهان عمومی گردد بزه تلقی نشده و نمی‌تواند مشمول مقررات ماده ۶۹۸ ق.م.ا. باشد.»

همان‌طور که مشاهده می‌شود، در این نظریه از نظریه اساتیدی که این قصد را از جنس انگیزه می‌دانند نیز عدول شده است. به عبارت دیگر، در این نظریه نه تنها قصد ذکرشده در قانون، ناظر بر سوءنیت خاص عنوان شده بلکه برای تکمیل جرم، حصول آن در عالم واقع نیز شرط تحقق جرم دانسته شده است؛ دیدگاهی که با توجه به ماده ۶۹۸ ق.م.ا.ت. مبنی بر عدم تصریح به لزوم حاصل شدن تشویش اذهان عمومی برای تکمیل جرم، نباید در نادرستی آن تردید داشت.

#### بند دوم - قائلان به انگیزه بودن قصد مورد نظر قانون‌گذار

در مقابل گروه اول حقوقدانان که قصد مورد نظر قانون‌گذار را ناظر بر سوءنیت خاص می‌دانند، عده دیگری از استادان حقوق وضعیت ذهنی مورد نظر قانون‌گذار را به عنوان انگیزه مجرم تلقی می‌کنند. همان‌طور که گفته شد، انگیزه اصولاً در ارکان عنصر معنوی جرم تأثیری ندارد مگر در موارد استثنائی. یکی از استثنائاتی نیز که در این زمینه بیان شد، مواردی است که قانون‌گذار داشتن وضعیت روانی خاصی را شرط تحقق جرم می‌داند که طبق نظر این دسته از اساتید این وضعیت روانی خاص، همان انگیزه است. (الهام و برهانی: ۱۳۹۵، ص ۲۰۸، برهانی: ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹)

استدلال این دسته، بر این امر است که از یک سو، سوءنیت خاص، مطابق اصل، خاص جرایم مقید است، حال آن که در غالب موارد که وضعیت روانی خاصی برای تکمیل جرم شرط شده است، جرم مطلق است و اصلاً نیازمند نتیجه نیست و یا چنان که گذشت، اگر هم مقید است، نتیجه مورد نیاز برای تکمیل آن، چیزی جز موضوع آن وضعیت روانی است. از سوی دیگر سوءنیت خاص بر نتیجه بار می‌شود، یعنی هرگاه جرم به تصریح قانون مقید باشد و نتیجه‌ای خاص برای تحقق آن لازم دانسته شود می‌توان از سوءنیت خاص صحبت کرد بنابراین در مواردی که جرم مطلق است و اصلاً نیازمند نتیجه نیست و یا موضوع وضعیت روانی خاص، حصول نتیجه‌ای نمی‌باشد، نمی‌توان صحبت از سوءنیت خاص کرد یا وضعیت روانی خاص را ناظر بر



سوءنیت خاص است. در این میان تنها چاره‌ای که می‌ماند آن است که این وضعیت روانی خاص ناظر بر انگیزه دانسته شود و استثنائی بر اصل عدم تاثیر انگیزه باشد.

در نوشته‌های برخی دیگر از استادان، مستقیماً به این اختلاف پرداخته نشده است اما مشابه نظر دسته اول، آثار انگیزه دانستن این وضعیت روانی خاص در تحلیل ایشان از مواد قانونی‌ای که داشتن وضعیت ذهنی خاصی را در تکمیل جرم موضوع خودشان لازم می‌دانند، متجلی شده است. برای مثال در مورد جرم تبانی برای بردن مال غیر موضوع ماده اول «قانون مجازات اشخاصی که برای بردن مال غیر تبانی می‌نمایند» که مقرر می‌کند: «هر گاه اشخاصی با یکدیگر تبانی کرده و برای بردن مالی که متعلق به غیر است بر همدیگر اقامه دعوی نمایند این اقدام آنها جزء تشبث به وسایل متقلبانه برای بردن مال دیگری که به موجب ماده ۲۳۸ قانون مجازات عمومی پیش‌بینی شده است محسوب و به مجازات مندرجه در ماده مزبوره محکوم خواهند شد.» همان‌طور که مشاهده می‌شود، برای تکمیل جرم فرد باید رفتار مجرمانه را «برای بردن مالی که متعلق به غیر است» انجام دهند. عده‌ای از نویسندگان ضمن تاکید بر مطلق بودن جرم، این امر را ناظر بر انگیزه دانسته‌اند نه سوءنیت خاص. (خالقی: ۱۳۹۲، آقای نیایا: ۱۳۹۷، ص ۱۲۰)

در موارد دیگری نیز جلوه‌های این نظر به نحو صریح‌تری دیده می‌شود. نویسنده اخیر در مورد جرم موضوع ماده ۲۷ قانون مبارزه با مواد مخدر که مقرر می‌دارد: «هر گاه شخص دیگری را به منظور تعقیب در مراجع ذی‌صلاح، تعدماً و به خلاف واقع متهم به یکی از جرایم موضوع این قانون نماید به بیست تا هفتاد و چهار ضربه شلاق محکوم خواهد شد.» صریحاً عبارت «به منظور تعقیب در مراجع ذی‌صلاح» را ناظر بر انگیزه می‌داند. هم‌چنین در مورد جرم اظهار اکاذیب یا انتساب اعمال خلاف حقیقت به غیر موضوع ماده ۶۹۸ ق.م.ا.ت.، «قصداً اضرار به غیر یا تشویق اذهان عمومی یا مقامات رسمی» را متعلق انگیزه مجرم می‌داند و تصور سوءنیت خاص بودن آن را به تصریح رد می‌کند چه آن که جرم موضوع این ماده، جرمی مطلق است و سوءنیت خاص، بخشی از ساختار رکن معنوی این جرم نیست. (آقای نیایا: ۱۳۹۹، ص ۱۴۲) اگرچه اداره حقوقی قوه قضاییه در مورد این جرم نیز نظری مخالف دارد و در نظریه ۷/۹۶/۱۹۸۰ (مورخ ۱۳۹۶/۰۸/۲۷) دقیقاً بر خلاف این نظر حکم کرده است و این قصد را همان سوءنیت خاص می‌داند، موضعی که در دو نظریه ذکر شده در بند قبلی نیز به آن اشاره شد.

#### بند سوم - داوری بین دو نظر و ارائه معیار و ملاک تمییز قصد مورد نظر قانون‌گذار

در داوری بین نظرات دو دسته از حقوق‌دانان، به نظر می‌رسد که نظر گروه دوم صحیح‌تر باشد و باید گفت که تمام مواردی که مقنن، داشتن وضعیت ذهنی خاصی را با عناوین مختلف برای تحقق جرم ضروری دانسته است نظر به انگیزه داشته است نه سوءنیت خاص. عمده استدلال کسانی که این وضعیت ذهنی را ناظر بر سوءنیت خاص می‌دانند این است با انگیزه دانستن این وضعیت، استثنائی بر اصل عدم تاثیر انگیزه وارد خواهد شد، پس باید با سوءنیت خاص دانستن آن، از ایراد استثنا بر اصل جلوگیری کرد در حالی که سوءنیت خاص دانستن وضعیت ذهنی مورد نظر قانون‌گذار خود استثنائی خواهد شد بر اصل دیگری که همانا عدم وجود سوءنیت خاص در جرایم مطلق است. در واقع ما با موضوعی مواجه هستیم که به دو صورت می‌توان آن را تفسیر کرد؛ اول آن که بگوییم وضعیت ذهنی مورد نظر، سوءنیت خاص است که از ایراد استثنا بر اصل عدم تاثیر انگیزه در عنصر



معنوی جلوگیری شود در حالی که این برداشت خود استثنایی بر اصل عدم وجود سوءنیت خاص در جرایم مطلق خواهد شد. دوم آن که بگوییم وضعیت ذهنی مورد نظر، انگیزه است تا استثنایی بر اصل عدم وجود سوءنیت خاص در جرایم مطلق نباشد در شرایطی که این برداشت نیز خود استثنایی بر اصل عدم تاثیر انگیزه در عنصر معنوی خواهد شد.

اساتیدی که تفسیر اول را برگزیده و وضعیت ذهنی خاص را سوءنیت خاص می دانند ایراد استثنا بر اصل عدم وجود سوءنیت خاص در جرایم مطلق را پذیرفته اند در حالی که به نظر می رسد توجیهی برای این گزینش وجود نداشته باشد. این درحالی است که شاید بتوان گفت از طرفی اصل عدم وجود سوءنیت خاص در جرایم مطلق بدون استثنایی قطعی مانده است و استثنایی یقینی بر آن وارد نشده است در حالی که اصل عدم تاثیر انگیزه در رکن معنوی استثنائاتی یقینی دارد که در بخش نخست به آن اشاره شد، بنابراین بهتر است که استثنای حاضر نیز بر اصل عدم تاثیر انگیزه وارد شود و این امر، جز با انگیزه دانستن موارد مورد اختلاف حاصل نخواهد شد. علاوه بر این امر، انگیزه دانستن وضعیت روانی خاص مورد نظر قانون گذار مطابق توضیحاتی که در بخش سوم داده خواهد شد، به نفع متهم است و جلوه ای از تفسیر مضیق قواعد کیفری است. موضوع دیگری که مؤید این استنباط است نص صریح ماده ۱۴۴ ق.م.ا. است که مطابق آن سوءنیت خاص فقط در جرایمی وجود خواهد داشت «که وقوع آن ها بر اساس قانون منوط به تحقق نتیجه است...». عبارت مزبور به خوبی نشان دهنده این امر است که اگر وقوع جرمی مطابق قانون نیازمند وقوع نتیجه ای خاص نباشد و در واقع جرم مطلق باشد، وجود سوءنیت خاص در آن بی معنی است هر چند که بگوییم این سوءنیت خاص نیازی به نتیجه در عالم خارج ندارد.

استدلال دیگری که می تواند در این زمینه راه گشا باشد، این است که همان طور که در بخش اول گفته شد، سوءنیت خاص باید در قانون مشخص و معین باشد؛ در واقع این موضوع به این مسئله برمی گردد که نتیجه مورد نیاز برای تکمیل جرم باید در قانون تصریح شده باشد و چون این نتیجه موضوع سوءنیت خاص است، پس می توان گفت که سوءنیت خاص نیز در قانون مشخص و معین است. امری که عبارت «بر اساس قانون» در ماده ۱۴۴ ق.م.ا. آن را تایید می کند. این در حالی است که در مواردی دیده می شود، این وضعیت ذهنی خاص به صورت تمثیلی در قانون آورده شده است؛ مثلا در ماده ۶۲۱ ق.م.ا.ت. مقرر شده است «هر کس به قصد مطالبه وجه یا مال یا به قصد انتقام یا به هر منظور دیگری...». همان طور که مشاهده می شود وضعیت ذهنی مورد نظر قانون گذار در صدر ماده به شکل تمثیلی آورده شده است و جرم می تواند با «هر منظور دیگری» غیر از موارد مصرح در ماده محقق شود. حال چگونه می شود که این وضعیت ذهنی ناظر بر سوءنیت خاص باشد، در حالی که چنان که گذشت سوءنیت خاص باید در قانون مشخص و معین باشد؟ به نظر می رسد که چاره ای جز انگیزه دانستن آن وجود ندارد.

استدلال به این که تحقق نتیجه و قصد نتیجه یا سوءنیت خاص دو مقوله جدا هستند نیز به نظر نمی تواند موجه باشد. همان طور که در بند نخست بخش اول به آن اشاره شد، هر یک از ارکان عنصر روانی، ناظر بر رکنی از ارکان عنصر مادی است؛ به این صورت که سوءنیت عام ناظر بر رفتار است، علم و آگاهی مرتکب به موضوع و شرایط جرم نظر دارد و سوءنیت خاص نیز باید ناظر بر نتیجه باشد. (یک رنگی: ۱۳۹۷) چگونه می توان گفت که مرتکب باید قصد نتیجه داشته باشد، اما نیاز نیست که نتیجه در عالم خارج نیز واقع شود؟ تصریح مقنن به لفظ «قصد» در مواد مورد اختلاف نمی تواند توجیه کننده این امر باشد.



## پنجمین کنفرانس بین‌المللی و ملی مطالعات مدیریت، حسابداری و حقوق

۴ آذر ۱۴۰۰ - تهران

نظر اداره حقوقی قوه قضاییه در نظریه ۷/۹۹/۵۲ (مورخ ۱۳۹۹/۰۲/۱۴) نیز قابل قبول به نظر نمی‌رسد. همان‌طور که گذشت عمده استدلال ایشان بر این بنیان است که «انگیزه ارتکاب جرم» امری درونی و نیروی محرکه‌ای است که فرد را به سوی ارتکاب جرم سوق می‌دهد و تأثیری در تحقق جرم ندارد؛ در حالی که سوءنیت (اعم از عام و خاص)، عنصر معنوی جرم است که یکی از ارکان تشکیل‌دهنده جرم است. خدشه اصلی نظریه در این جاست که اگرچه سوءنیت عام و خاص جزوی از ارکان عنصر معنوی جرم هستند، اما به تصریح ماده ۱۴۴ ق.ا.م.ا وجود سوءنیت عام در تمامی جرایم ضروری است در حالی که مطابق قسمت دوم این ماده، سوءنیت خاص صرفاً در جرایمی مورد نیاز است «که وقوع آن‌ها بر اساس قانون منوط به تحقق نتیجه است...» و این جرایم چیزی جز جرایم مقید نیستند. از طرف دیگر اگرچه مطابق اصل، انگیزه تأثیری در تحقق جرم ندارد، اما در موارد استثنایی قانون‌گذار وجود انگیزه خاصی را برای تحقق جرم لازم می‌داند و در این موارد انگیزه مورد نظر، بخشی از عنصر معنوی جرم است که برای تحقق جرم ضروری است.

پس باید انصاف داد که همان‌طور که برخی از اساتید گفته‌اند واژه «قصد» مشترک معنوی است و می‌تواند به هر سه مصداق «سوءنیت عام»، «سوءنیت خاص» و «انگیزه» دلالت کند و نباید آن را صرفاً ناظر بر سوءنیت عام یا خاص دانست بلکه اطلاق آن بر هر یک از این سه مورد، نیازمند دلیل و قرینه است. (الهام و برهانی: ۱۳۹۵، ص ۲۰۸)

13 اما معیار و ملاکی که می‌تواند به عنوان یک دلیل و اماره مستحکم و کاربردی استفاده شود، توجه به این امر و پاسخ به این سوال است که «آیا قانون‌گذار حصول موضوع وضعیت روانی خاص را برای تکمیل جرم لازم می‌داند یا خیر؟» اگر پاسخ مثبت باشد و برای تکمیل جرم، حتماً نیاز باشد که آن نتیجه موضوع وضعیت ذهنی خاص در عالم خارج نیز واقع شود، وضعیت مذکور سوءنیت خاص است. اما اگر برای تکمیل جرم نیازی به حاصل شدن نتیجه موضوع وضعیت روانی نباشد و صرف وجود این وضعیت در ذهن برای تحقق و تکمیل جرم کافی باشد، وضعیت ذهنی مورد نظر انگیزه است. نگارنده باور دارد که این معیار در تمامی مواردی که چنین وضعیت ذهنی‌ای در نص قانون آمده است راه‌گشا خواهد بود و در هر مورد می‌تواند به راحتی، سوءنیت خاص یا انگیزه بودن وضعیت ذهنی مورد نظر قانون‌گذار را تعیین کند. ذکر مثالی در این باره، به روشن‌تر شدن این معیار کمک می‌کند: ماده ۵۵۰ ق.ا.م.ا.ت. مقرر می‌دارد: «هر یک از مستخدمین و مأمورین دولتی که طبق قانون مأمور دستگیری کسی بوده و در اجرای وظیفه دستگیری مسامحه و اهمال کرده باشد به پرداخت یکصد هزار تا پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد و چنانچه مسامحه و اهمال به قصد مساعدت بوده که منجر به فرار وی شده باشد علاوه بر مجازات مذکور به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم می‌شود.» در بخش دوم این ماده، آمده است که مسامحه و اهمال باید «به قصد مساعدت» بوده باشد. آیا برای تکمیل جرم نیاز است که حتماً در عالم خارج نیز مساعدتی حاصل شود؟ به نظر پاسخ منفی است و صرف آن که این انگیزه در ذهن فرد باشد، برای مجرم شناخته شدن وی کافی است؛ پس «قصد» مذکور در این ماده ناظر به انگیزه است. از طرف دیگر برای تحقق این جرم در عنصر مادی نیاز است که نتیجه‌ای در عالم واقع محقق شود که همانا «فرار فرد دستگیرشده» است، پس قصد ناظر بر این امر در عنصر معنوی همان سوءنیت خاص است چرا که برای تحقق این جرم نیاز است که متعلق این قصد حتماً در عالم ماده نیز واقع شود؛ در واقع در «قصد» اول، فرد باید مساعدت را بخواهد اما نیاز نیست که حتماً مساعدت هم محقق شود، اما در «قصد» دوم، فرد باید فرار فرد دستگیرشده را بخواهد و این فرار، در عالم خارج نیز محقق شود.

ذکر این نکته نیز خالی از فایده نیست که با استقراء از قوانین کیفری می‌توان به این نتیجه رسید که قانون‌گذار در متن قانون مستقیماً به سوءنیت خاص به عنوان یک وضعیت ذهنی اشاره نمی‌کند؛ بلکه به نتیجه‌ای که برای تکمیل جرم نیاز است اشاره کرده و خواننده باید قصد حصول آن نتیجه در ذهن مرتکب را ناظر بر سوءنیت خاص بداند. این در حالی است که بسیار دیده می‌شود مقنن به یک وضعیت ذهنی به‌طور مستقیم و بدون نظر به عنصر مادی جرم اشاره می‌کند و می‌توان گفت که این وضعیت ذهنی به احتمال زیاد و با استفاده از معیار ارائه‌شده، انگیزه است.

### بخش سوم) آثار سوءنیت خاص یا انگیزه انگاشتن قصد مورد نظر قانون‌گذار

در وهله نخست شاید گمان شود که موضوع مورد نظر آثار عملی خاصی نداشته باشد اما باید دانست که این موضوع دارای نتایج مهمی است که می‌تواند در مسئولیت کیفری فرد موثر باشد. در این زمینه دو ابهام به ذهن می‌رسد که شایسته بررسی است و یک اثر نظری و یک اثر عملی مهم وجود دارد که در ادامه به آن خواهیم پرداخت.

ابهام نخستی که می‌تواند مطرح شود آن است که همان‌طور که گفته شد، به واسطه انگیزه مجرم می‌توان وی را از پاره‌ای از تخفیفات و امتیازات برخوردار کرد. مثلاً مستند به بند پ ماده ۳۸ ق.م.ا. یکی از مواردی که دادرسی می‌تواند بر اساس آن مجازات مرتکب را تخفیف دهد، «وجود انگیزه شرافتمندانه در ارتکاب جرم» است. مشابه همین امر در مورد تعویق صدور حکم یا تعلیق اجرای مجازات نیز وجود دارد (مواد ۴۰ و ۴۶ ق.م.ا.). ابهامی که ممکن است مطرح شود این است که در صورت انگیزه دانستن وضعیت روانی خاص مورد نظر قانون‌گذار، آیا می‌توان به استناد انگیزه شرافتمندانه، مجرم را از این امتیازات بهره‌مند نمود؟ توضیح آن که اگر وضعیت‌های روانی ذکرشده در قانون را انگیزه بدانیم، این انگیزه هرگز نمی‌تواند «شرافتمندانه» تلقی شود؛ بنابراین نمی‌توان در مجازات مجرم تخفیف داد یا مقررات تعویق صدور حکم یا تعلیق اجرای مجازات را در حق وی اجرا کرد. اما این نظر درست به نظر نمی‌رسد؛ وضعیت ذهنی خاص مورد نظر قانون‌گذار که در متن قانون به لزوم وجود آن در ذهن مرتکب تصریح شده است، یکی از چندین انگیزه‌ای است که می‌تواند در ذهن مجرم وجود داشته باشد و انگیزه مرتکب صرفاً ناظر بر انگیزه خاص مورد نظر قانون‌گذار نیست. بر همین بنیان می‌توان بر اساس سایر انگیزه‌های مرتکب وی را از تخفیفات و امتیازات قانونی برخوردار کرد. بدیهی است که هرگز نمی‌توان وی را بر اساس انگیزه خاص مورد نظر قانون از این معافیت‌ها بهره‌مند کرد. مثلاً در مورد جرم موضوع ماده ۵۵۴ که مقرر می‌دارد: «هر کس از وقوع جرمی مطلع شده و برای خلاصی مجرم از محاکمه و محکومیت مساعدت کند از قبیل این که برای او منزل تهیه کند یا ادله جرم را مخفی نماید یا برای تبرئه مجرم ادله جعلی ابراز کند حسب مورد به یک تا سه سال حبس محکوم خواهد شد.» مرتکب باید انگیزه «خلاصی مجرم از محاکمه و محکومیت» را داشته باشد و این انگیزه برای تحقق جرم ضروری است. بدیهی است که این انگیزه هرگز نمی‌تواند «شرافتمندانه» تلقی شده و مبنای معافیت‌های قانونی باشد اما ممکن است علاوه بر این انگیزه، مرتکب جرم، انگیزه فرار مجرم از محکومیت برای کمک به خانواده وی یا بدون پدر بزرگ نشدن فرزندان مجرم را داشته باشد که می‌تواند به عنوان انگیزه‌ای شرافتمندانه، مبنای برخورداری از معافیت‌های قانونی باشد.



## پنجمین کنفرانس بین‌المللی و ملی مطالعات مدیریت، حسابداری و حقوق

۴ آذر ۱۴۰۰ - تهران

ابهام دیگری که به ذهن می‌رسد آن است که شاید گفته شود، اگر این وضعیت ذهنی خاص را ناظر بر سوءنیت خاص بدانیم، چون متعلق آن نتیجه‌ای است که در عالم خارج واقع شده و قابل مشاهده و لمس است، احراز آن ساده‌تر باشد و در مقابل اگر ناظر بر انگیزه بدانیم، چون صرفاً یک امر ذهنی و انتزاعی است و نیاز به حصول نتیجه‌ای در عالم ماده ندارد، احراز آن دشوارتر گردد. اما این تفاوت نیز نمی‌تواند صحیح باشد چه آن که حتی اساتیدی که این وضعیت ذهنی خاص را سوءنیت خاص می‌دانند، در ذهنی بودن آن و این که از جنس انگیزه و امری ذهنی است با دیگر اساتید اختلاف نظر ندارند؛ حتی عده‌ای از نویسندگان به ذهنی بودن این امر و عدم نیاز به نتیجه‌ی خارجی تصریح کرده‌اند. (میرمحمد صادقی: ۱۳۹۹، صص ۱۳۳ و ۱۳۴) بنابراین چه وضعیت ذهنی موردنظر قانون‌گذار را سوءنیت خاص بدانیم و چه آن را انگیزه تلقی کنیم، جنس آن صرفاً ذهنی و انتزاعی است و باید از طریق اوضاع و احوال و شرایط ارتکاب جرم توسط مقام قضایی به اثبات برسد.

تفاوت دیگری که موجود است اما صرفاً نظری است و تاثیری در عمل ندارد آن است که همان‌طور که در بخش دوم بیان شد، اگر این وضعیت ذهنی را ناظر بر انگیزه بدانیم، استثنایی بر اصل عدم تاثیر انگیزه خواهد شد در حالی که اگر سوءنیت خاص بدانیم استثنایی بر اصل عدم وجود سوءنیت خاص در جرایم مطلق می‌شود و اصل عدم تاثیر انگیزه مصون از استثنا باقی می‌ماند.

15 اما اثر مهم و عمیقی که در عمل بسیار اهمیت دارد ناظر بر سوءنیت تبعی است. اگر وضعیت ذهنی خاص موردنظر قانون‌گذار را ناظر بر سوءنیت خاص بدانیم امکان احراز آن به صورت تبعی نیز وجود خواهد داشت چه آن که همان‌طور که در بخش نخست گذشت، مقنن در ماده ۱۴۴ ق.م.ا. این نوع از سوءنیت را به طور مطلق در تمامی جرایم پذیرفته است. اما اگر این وضعیت روانی خاص را ناظر بر انگیزه بدانیم، امکان احراز آن به صورت تبعی وجود نخواهد داشت چرا در قوانین کیفری نهادی با عنوان «انگیزه تبعی» وجود ندارد. این مسئله که می‌تواند به نفع متهم و تفسیری مضیق از قواعد حقوق کیفری باشد، از جمله دلایل انگیزه دانستن وضعیت‌های ذهنی موردنظر قانون‌گذار است. گذشته از آن احراز چیزی که نیازی به حصول آن در عالم خارج نیست به صورت تبعی، بی‌مفهوم به نظر می‌رسد. مثلاً در مورد جرم تهدید به بمب‌گذاری موضوع ماده ۵۱۱ ق.م.ا. اگر «قصد برهم زدن امنیت کشور و تشویش اذهان عمومی» را سوءنیتی بدون نیاز به حصول نتیجه در عالم خارج بدانیم، چگونه ممکن است بگوییم که نیازی نیست این نتیجه در عالم خارج واقع شود اما مرتکب می‌دانسته است که از این عمل او ممکن است امنیت کشور برهم بخورد یا اذهان عمومی تشویش شود؟ این در حالی است که حصول یا عدم حصول نتیجه از اساس موضوعیتی ندارد؛ در واقع چه امنیت کشور برهم بخورد و چه نخورد، جرم تحقق یافته است.



## نتیجه

با توجه به این امر که وضعیت روانی مورد نظر قانون‌گذار یا با تسامح «قصد» مورد نظر مقنن ناظر بر انگیزه است، دادرسی در رسیدگی‌های کیفری باید در نظر داشته باشد که اگر وضعیت روانی خاصی در مرتکب شرط تحقق جرم دانسته شده است، باید این انگیزه را به طور مشخص و مستقیم احراز نماید و از احراز آن به شکل تبعی خودداری نماید چه آن که شاید بتوان گفت، این وضعیت روانی که همان انگیزه است از سوءنیت خاص در ارکان عنصر معنوی جرم کم‌رنگ‌تر بوده و ظاهراً مورد نظر مقنن نیست که آن را به شکل تبعی احراز نموده و قائل به مجازات متهم شد.

به هر ترتیب و با نگاهی و رای متون قانونی و حقوق کیفری موضوعه موجود شاید بتوان به بحثی دیگر نیز در بخش نتیجه اشاره کرد و آن تحلیل اقتصادی جرایم در حقوق کیفری است. این موضوع در اصل به دو نگاه متفاوت نسبت به مسائل حقوقی برمی‌گردد؛ نگاه اول نگاهی ماهیت‌محور است که یک موضوع حقوقی را فارغ از نتایج آن مشمول حکمی خاص می‌داند؛ مثلاً اگر ارکان متشکله یک جرم علیه امنیت کامل باشد، مرتکب آن را قابل تعقیب و مجازات می‌داند. این حکم صرف نظر از این امر است که آیا جرم ارتکاب‌یافته، واقعاً امنیت را مختل کرده است یا خیر.

در مقابل، نگاه پیامدمحوری وجود دارد که بر اساس آن، اگر ارتکاب جرم پیامد سوئی برای جامعه نداشته باشد و ارتکاب آن نظم عمومی را در واقع نیز مختل نکند، مرتکب را صرف نظر از ارکان متشکله جرم اعم از عنصر مادی و معنوی، قابل مجازات نمی‌داند. مطابق این دیدگاه برای تعقیب کیفری باید منافع پیگرد قانونی بیشتر از هزینه‌های آن باشد؛ به عبارت دیگر تعقیب متهمان هزینه‌هایی از جمله، قانون‌نویسی کیفری، تعقیب متهمان، نظارت بر اجرای قانون، اجرای مجازات و ... را برای جامعه دارد اما در صورتی که عمل مرتکب تأثیری بر نظم عمومی نداشته باشد و صرفاً انگیزه این اخلال در ذهن وی باشد و وارد جهان خارج نشود، هزینه‌های تعقیب کیفری از منافع آن بیشتر خواهد شد. نکته‌ای که در تحلیل دوم مغفول مانده این است که در حقوق کیفری، غایت مقنن صیانت از نظم عمومی جامعه است که در این راستا شاید پیشگیری بهتر از درمان باشد. در واقع اگر به دلیل عدم بروز نتایج مجرمانه و عدم تأثیر بر نظم عمومی جامعه از تعقیب مجرمین صرف نظر شود، این امر احتمالاً منجر به تجزیه آنان شده و در بهترین حالت باعث تغییر هدف جرم یا تغییر در مکان یا زمان وقوع آن خواهد شد. این دیدگاه حتی با خود دیدگاه هزینه-فایده نیز قابل توجیه است؛ چه آن که اگر صرفاً زمانی که جرم به کیان جامعه صدمه وارد کرده است، دستگاه قضایی و کیفری را مجاز به مداخله بدانیم، در این صورت شاید هزینه‌های بازگرداندن شرایط به قبل از وقوع جرم بیشتر نیز بشود و همراه با هزینه تعقیب مجرمین، خسارت‌های بیشتری را برای جامعه به بار آورد، امری که باید از آن احتراز شود.

پس باید قائل به این شد که صرف نظر از تأثیر و تخریبی که ارتکاب جرم به بار آورده است، در صورت تکمیل عناصر متشکله جرم باید آن را قابل مجازات دانست. البته در این زمینه مقنن نیز باید توجه داشته باشد که با هدف صیانت از منابع جامعه،





# پنجمین کنفرانس بین‌المللی و ملی مطالعات مدیریت، حسابداری و حقوق

۴ آذر ۱۴۰۰ - تهران

قوانین حقوق کیفری را به گونه‌ای تنظیم کند که دستگاه قضایی زمانی وارد شده و منابع خویش را برای تعقیب متهمین به کار گیرد که این تعقیب برای صیانت از نظم جامعه ضروری باشد صرف نظر از این که عمل مرتکب و انگیزه درونی وی به فعل نیز رسیده است یا خیر.

## منابع

### کتاب‌ها:

1. آقای نیایا، حسین، (۱۳۹۹)، *جرایم علیه اشخاص (شخصیت معنوی)*، چاپ دهم، تهران: نشر میزان
2. آقای نیایا، حسین، (۱۳۹۷)، *جرایم علیه اموال و مالکیت*، چاپ دوم، تهران: نشر میزان
3. اردبیلی، محمدعلی، (۱۳۹۷)، *حقوق جزای عمومی*، جلد ۱، چاپ پنجم و پنجم، تهران: نشر میزان
4. الهام، غلامحسین و برهانی، محسن، (۱۳۹۵)، *درآمدی بر حقوق جزای عمومی*، جلد ۱، چاپ دوم، تهران: نشر میزان
5. الیث، کاترین و کوئین، فرانسیس، (۱۳۹۱)، *حقوق جزا*، ترجمه واحدی نوایی، آوا و غضنفری، نسترن، چاپ دوم، تهران: نشر میزان
6. انصاری، شیخ مرتضی، (بی‌تا)، *کتاب الطهارة*، جلد ۲، بی‌جا: بی‌نا، به نقل از سایت کتابخانه «مدرسه فقهت» ([www.eShia.ir](http://www.eShia.ir))
7. ساکی، محمدرضا، (۱۳۹۳)، *جرم و پدیده جنایی*، جلد ۱، چاپ دوم، تهران: انتشارات جنگل، جاودانه
8. عالی‌پور، حسن، (۱۳۹۵)، *حقوق کیفری فناوری اطلاعات*، چاپ چهارم، تهران: انتشارات خرسندی
9. علی‌آبادی، عبدالحسین، (۱۳۵۳)، *حقوق جنایی*، جلد ۱، چاپ پنجم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، به نقل از سایت ویکی‌فقه ([www.wikifegh.ir](http://www.wikifegh.ir))
10. گلدوزیان، ایرج، (۱۳۹۵)، *حقوق جزای عمومی ایران*، چاپ چهاردهم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران
11. میرمحمد صادقی، حسین، (۱۳۹۸)، *جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی*، چاپ سی و نهم، تهران: نشر میزان
12. میرمحمد صادقی، حسین، (۱۳۹۹)، *جرایم علیه شخصیت معنوی اشخاص*، چاپ اول، تهران: نشر میزان

### مقالات:

1. خالقی، علی و رجب، محمدعلی، (۱۳۹۲)، «تحلیل معیار نوعی در عنصر روانی جرم قتل عمدی (مطالعه تطبیقی)»، *پژوهشنامه حقوق کیفری*، سال چهارم (شماره اول)، بهار و تابستان، صص ۱۲۱-۱۴۶
2. یکرنگی، محمد و عالی‌پور، حسن، (۱۳۹۴)، «معیار علم به وقوع نتیجه در حقوق کیفری ایران با رویکرد تطبیقی به حقوق انگلستان و فقه امامیه»، *مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی*، دوره ۲ (شماره ۲ و ۳)، بهار و تابستان، صص ۱۵۵-۱۶۹

### تقریرات:



پنجمین کنفرانس بین المللی و ملی مطالعات مدیریت، حسابداری و حقوق

۴ آذر ۱۴۰۰ - تهران

1. برهانی، محسن، *تقریرات درس حقوق جزای اختصاصی دو (جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی)*، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، نیم سال دوم سال تحصیلی ۱۳۹۸-۱۳۹۹
2. برهانی، محسن، *تقریرات درس حقوق جزای اختصاصی سه (جرایم علیه تمامیت جسمانی اشخاص؛ جنایات)*، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، نیم سال اول سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۴۰۰
3. خالقی، علی، *تقریرات درس حقوق جزای اختصاصی یک (جرایم علیه اموال)*، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، نیم سال اول سال تحصیلی ۱۳۹۸-۱۳۹۹
4. شیر، عباس، *تقریرات درس حقوق جزای اختصاصی چهار (جرایم علیه تمامیت معنوی اشخاص)*، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، نیم سال اول سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۴۰۰
5. یکرنگی، محمد، *تقریرات درس حقوق جزای عمومی یک*، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، نیم سال دوم سال تحصیلی ۱۳۹۶-۱۳۹۷
6. یکرنگی، محمد، *تقریرات درس حقوق (کیفری) و فناوری های نوین*، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، نیم سال دوم سال تحصیلی ۱۳۹۸-۱۳۹۹